

**پناهیان: مهمترین اشتباه تمام سیاسیونی که ریزش کردند، بی توجهی به مقدرات الهی بوده است/ به دلیل عوامل تقدیری الهی امکان انحراف از خط امام به شدت کاهش پیدا کرده/ امروز نتیجه سازش با دشمن، ورود تروریست‌ها به کشور است/ از گوینده «ما در حال تمرین دموکراسی هستیم» بپرسید «آیا هنوز از دموکراسی غربی دفاع می‌کنید؟!»/ آیا مردم فرانسه و آمریکا رأی داده‌اند که این قدر جنایت بشود؟!**

حجت الاسلام علیرضا پناهیان با حضور در چهاردهمین نشست سالانه اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور که در دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد، به سخنرانی پرداخت. پناهیان با اشاره به اهمیت امور تکوینی و تشریحی در سرنوشت انسان، ضمن برشمردن برخی از نتایج بی‌توجهی به مقدرات الهی در برنامه‌ریزی و محاسبات سیاسی، به تبیین نقش مقدرات الهی در پیشبرد جبهه حق پرداخت و به نمونه‌هایی اشاره کرد. **در ادامه فرازهایی از سخنان ایشان را می‌خوانید:**

**امور تکوینی و امور تشریحی دو امر از جانب خداوند هستند که در سرنوشت انسان و جامعه مؤثرند**

- ما در زندگی با دو نوع امر الهی مواجه هستیم که در سرنوشت ما مؤثر هستند؛ ۱- امور تکوینی الهی و ۲- امور تشریحی خداوند
- امور تکوینی در کنار امور تشریحی دو امری هستند که از جانب پروردگار متعال وجود یک انسان و یک جامعه را احاطه می‌کنند. یعنی همانطور که امور تشریحی و دستورات الهی، خواست پروردگار عالم هستند و در سرنوشت و حیات بشر تعیین‌کننده هستند، امور تکوینی و تقدیری نیز همین طور هستند.

- دستوراتی که خداوند به ما می‌دهد دو نوع است، یکی دستورات عمومی که برای همه ما یکسان است و دیگری دستورات اختصاصی که با توجه به ویژگی‌های شخصیتی هر کسی، مخصوص هر فردی است. مثلاً دستور عمومی همه ما نماز است ولی دستور اختصاصی یک جوان، مثلاً ممکن است این باشد که اگر مادرش راضی نباشد حتی به خاطر درس یا کار هم نباید مسافرت کند.

- دستورات «عمومی» و «اختصاصی» جزء امور تشریحی خداوند هستند ولی این امور تشریحی در شرایطی به ما می‌رسد که امور تکوینی و تقدیری خدا نیز از قبل برای ما معین شده است. مثلاً گاهی شرایط و مقدرات ما به گونه‌ای رقم می‌خورد که اجرای دستورات الهی که در شرایط عادی برای ما راحت به نظر می‌رسید، ناگهان برای ما خیلی سخت می‌شود. به عنوان مثال یک خانم یا آقای، ممکن است همسری نصیبش شود که خیلی بد اخلاق است لذا صبر کردن یا مدارا کردن با او خیلی سخت می‌شود ولی همان خدایی که مقدر کرده این همسر نصیب او شود، همان خدا دستور به صبر و مدارا داده است.

**مهمترین اشتباه تمام سیاسیونی که ریزش کردند، بی توجهی به مقدرات الهی بوده است / جوامع بشری،**

**اسیر دو نوع اوامر الهی هستند؛ تشریحی و تکوینی**

- بر اساس روایات ما، اگر کسی از عوامل تشریحی فرار کند و مثلاً در جایی که لازم بوده مبارزه با نفس کند، این کار را انجام ندهد و دچار معصیت شود، عوامل تکوینی و تقدیری خداوند او را تحت فشار قرار خواهد داد و او مجبور به مبارزه با نفس خواهد شد، بدون

اینکه اجری داشته باشد. (مثلاً: رسول خدا(ص): مَنْ مَنَعَ مَالَهُ مِنَ الْاِخْتِيَارِ اخْتِيَاراً صَرَفَ اللّٰهُ مَالَهُ اِلَى الْاَشْرَارِ اضْطِرَّاراً؛ جامع الاخبار/ ۱۷۸ و امام صادق(ع): مَا مِنْ عَبْدٍ يَمْنَعُ دِرْهَمًا فِي حَقِّهِ اِلَّا اَتَقَّقَ اَثْمَيْنِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ؛ کافی/ ۵۰۴/۳) انسان‌ها در اینکه امر خدا را اجرا کنند، تا حدی از آزادی برخوردار هستند. انسان‌ها در اینکه بتوانند شرایط اجرای امر خدا را فراهم کنند، آزادی مطلق ندارند و تا حدی تأثیرگذار هستند.

- انسان‌ها و جوامع بشری، اسیر دو نوع اوامر الهی هستند؛ هم عوامل تشریحی و هم عوامل تکوینی. اگر کسی به عنوان یک نیروی مذهبی و معتقد که برای اوضاع سیاسی کشور خود برنامه‌ریزی می‌کند، فقط بخواهد روی عوامل تشریحی حساب باز کند، دچار اشتباه شده است چون عوامل تکوینی و تقدیری را نادیده گرفته است.

- در شرایط سیاسی جامعه نیز این دو نوع عوامل تکوینی و تشریحی در کنار همدیگر تأثیر دارند. در طول این سال‌ها ثابت شده که حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری در مقام رهبری و مدیریت کلان جامعه به هر دو نوع عوامل تکوینی و تشریحی توجه دارند. یعنی هم به مقدرات الهی نگاه می‌کنند و هم به اوامر الهی توجه دارند؛ و همین مسأله است که حضرت امام(ره) را در برقراری این انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی موفق کرده و رهبری معظم را از همه مراحل حساس و خطرناک عبور داده است.

- **هر شخص یا جریان سیاسی که در این انقلاب دچار اشتباه و بعد دچار ریزش شده است، مهمترین بخش اشتباهش در نظر نگرفتن عوامل تقدیری و تکوینی الهی بوده است. ممکن است کسانی که انحراف سیاسی پیدا کردند یک جاهایی امر خدا را اطاعت نکرده باشند، ولی در امور سیاسی، عدم اطاعت از امر خدا بدتر از بی‌توجهی به مقدرات الهی نیست.**

**در محاسبه رفتار سیاسیونی که غلط می‌اندیشند و غلط رفتار می‌کنند باید تقدیرات الهی را هم در نظر**

**گرفت**

- بعضی از سیاسیون بوده‌اند که سخنانی گفته‌اند و کارهایی کرده‌اند که رأی مردم را به طرف خودشان کشیده و تأثیری بر جامعه گذاشته‌اند تا به نتیجه مورد نظر خود برسند. یعنی تصمیمی که گرفته‌اند غلط بوده و خلاف امر خدا بوده است، چون به سیاست و قدرت نگرش غیرالهی داشته‌اند و انگیزه سالمی نداشته‌اند. تا اینجا زیاد مهم نیست، مهم این است که آنها در نظر نگرفته‌اند که در کدام شرایط تکوینی و تقدیری می‌خواهند این اهداف شوم خود را محقق کنند. یعنی تصور کرده‌اند به راحتی می‌توانند نافرمانی خدا را بکنند و موفق هم بشوند! آنها به این نکته توجه ندارند که شرایط تکوینی و تقدیری که در دست آنها نیست، و لذا اوضاع بر اساس خواست و تقدیر الهی- به گونه‌ای پیش می‌رود که زیر پای انواع و اقسام جریان‌های انحرافیافته را خالی می‌کند و پیش‌فرض‌ها و پیش‌بینی‌هایی که بر اساس آن برنامه‌ریزی و اقدام کرده‌اند را به نفع حق تغییر می‌دهد. یعنی خداوند به دست مقدرات خودش کاری می‌کند که این منحرفین سیاسی به زمین بخورند.

- در محاسبه رفتار سیاسیونی که غلط می‌اندیشند و غلط رفتار می‌کنند باید تقدیرات الهی را هم در نظر گرفت و البته در رفتارهای سیاسیون و افراد خوب هم باید این تقدیرات را در نظر گرفت. لذا مقام معظم رهبری بارها تصریح می‌فرمایند باید به در خانه خدا برویم و به نصرت الهی امید داشته باشیم. و بارها این آیه را فرموده‌اند که: «إِنَّ تَتَّصِرُوا اللّٰهَ تَتَّصِرْكُمْ» (محمد/۷) چون مقدرات عالم دست خداست. البته باید محاسبات خود را انجام دهیم، ولی در این محاسبات، غیر از ضرورت اطاعت امر خدا، ضرورت عملی شدن عوامل تکوینی و تقدیری خدا را هم در نظر بگیریم.

## عوامل تقدیری خداوند بسیاری از مسائل را به نفع جبهه حق حل کرده است

- گذشت زمان و عوامل تقدیری خداوند بسیاری از مسائل را خود به خود به نفع جبهه حق حل کرده است. به عنوان مثال، یک آقای روحانی‌ای که بعد از حضرت امام(ره) غیرولابی عمل می‌کرد و غیرولابی سخن می‌گفت، در جریان یک دادگاهی، گفت: «چرا ما در مخالفت با اسرائیل، کاسه از آش داغ‌تر شده‌ایم و از خود فلسطینی‌ها جلوتر زده‌ایم؟! آنها خودشان دارند با اسرائیل کنار می‌آیند ولی ما می‌گوییم اسرائیل باید از بین برود؟!» این سخن در آن مقطع زمانی خیلی تأثیر بدی در جامعه داشت و این جریان فکری حتی به سمتی می‌رفت که شعار مرگ بر آمریکا را تبدیل به درود بر آمریکا کند! اما وقتی جلوتر آمدیم جریان انتفاضه در فلسطین آغاز شد و دور تازه‌ای از جنایت‌های اسرائیل شروع شد و اسرائیل آن قدر خودش را بی‌آبرو کرد که دیگر آن شخصی که در جلسه عمومی دادگاه این سخن را گفت شاید دیگر در جلسه خصوصی هم جرأت نکند همان سخن را بگوید. در حالی که آن آدم تغییری نکرده است بلکه عوامل تقدیری و مقدرات الهی طوری رقم خورده که این واقعیت را به همه مردم نشان داد که در مبارزه با استکبار چگونه باید عمل کرد.

## امروز عوامل تقدیری باعث شده کسی مثل گذشته نتواند از دموکراسی، جامعه مدنی و تمدن غربی دفاع کند

- به عنوان یک مثال دیگر می‌توانیم به طرفداری کردن عده‌ای از شعارهای جامعه مدنی و دموکراسی غربی اشاره کنیم که در کشور ما با افتخار از سوی بعضی‌ها صورت می‌گرفت. به حدی که در آن دوره، مفاهیم دینی در مقابل آن مفاهیم غربی تحقیر می‌شدند و حتی کار را به توهین به مفاهیم دینی می‌کشاندند. گرچه در آن مقطع زمانی تا حدی بحث با آنها به صورت علمی دنبال شد، ولی امروز گذشت زمان باعث شده که دیگر کسی به آن صراحت نتواند از تمدن و تفکر غربی دفاع کند. چون الان جنایت‌هایی که دموکراسی غربی در جهان انجام داده است به حدی آشکار است که دیگر کسی رویش نمی‌شود، از دموکراسی غربی دفاع کند. البته آن آدم‌ها اصلاح نشده‌اند بلکه اوضاع زمانه به‌گونه‌ای شده است که دیگر نمی‌شود آن سخنان غلط را به زبان جاری کرد و این نصرت خداوند است که شرایط را طوری تغییر داده است که دیگر نشود آن اشتباه را تکرار کرد.

## ما الان نگران سازش با غرب نیستیم، چون الان دشمن ما به مراتب وحشی‌تر و رسواتر از قبل شده/کسی نمی‌تواند با این دشمن سازش کند/کمک عوامل تقدیری برای تحقق عوامل تشریحی

- به عنوان مثالی دیگر، همین الان بعضی‌ها نگران سازش با غرب هستند و می‌پرسند: قضیه سازش با غرب چه می‌شود؟ در پاسخ می‌گوییم: ما الان برای بحث سازش با غرب نگرانی نداریم، چون الان دشمن ما به مراتب وحشی‌تر از ۳۰ سال، ۲۰ سال و بلکه ۱۰ سال قبل شده است. الان دشمن ما آن قدر رسواتر دارد عمل می‌کند که دیگر کسی در خواب هم نمی‌تواند ببیند که با این دشمن به شدت پست‌فطرت و جنایتکار سازش کند.

## امروز؛ سازش با دشمن، منجر به ورود تروریست‌ها به کشور می‌شود/ امروز لازمه سازش با دشمن،

### تقاضای تسلیم زنان و کودکان لبنانی به تروریست‌ها است

- البته الان امکان سازش با دشمن هم وجود ندارد، چون الان سازش با دشمن، در یک دومینوی بسیار کوتاه به اینجا منجر می‌شود که تروریست‌هایی که در سوریه جنایت می‌کنند را به کشور خودمان راه بدهیم؛ الان

سازش با دشمن معنایش این است. البته یک زمانی بود که اگر می‌خواستیم با دشمن سازش کنیم، برای امتیاز دادن به دشمن، مثلاً باید به حزب الله لبنان پیشنهاد می‌کردیم کمی از مواضع خود کوتاه بیاید. آن موقع برخی جرأت می‌کردند این تقاضا را بکنند، کما اینکه بعضی‌ها می‌رفتند و می‌گفتند! ولی الان اگر بخواهیم در مقابل دشمن کوتاه بیاویم و سازش کنیم، باید از حزب الله بخواهیم به تروریست‌ها اجازه بدهد که ببینند و سر آنها را ببرند، کودکانشان را اعدام کنند و هر جنایتی را انجام دهند! امروز چه کسی می‌تواند از حزب الله لبنان چنین تقاضایی داشته باشد و از آنها بخواهد در مقابل تروریست‌های جنایتکار، دلیل و دست‌بسته باشند!!!

- شرایط امروز دیگر مانند شرایط گذشته نیست که امکان آن درجه کم از سازش (که شاید قبلاً امکان داشت، هرچند غلط بود) قابل تحقق باشد. امروز شرایط عوض شده است و این یعنی عوامل تقدیری و تکوینی الهی به میدان آمده‌اند و تمرکز از عوامل تشریحی خدا دیگر اثر چندانی در عالم ندارد. این است که رسول خدا(ص) می‌فرماید: «از فتنه‌های آخرالزمان آکراه نداشته باشید، چون این فتنه‌ها منافقین را رسوا می‌کند؛ لا تَكْرَهُوا الْفِتْنَةَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ فَإِنَّهَا تُبَيِّرُ الْمُؤْمِنِينَ» (میزان الحکمه/حدیث ۱۵۷۴۸) و امام صادق(ع) می‌فرماید: «تمنا کنید فتنه را، چون فتنه موجب نابودی ستمگران و پاک شدن زمین از لوث وجود فاسقان می‌شود؛ تَمَنَّا الْفِتْنَةَ، فَفِيهَا هَلَاكُ الْجَبَّارِ، وَ طَهَارَةُ الْأَرْضِ مِنَ الْفَسَقَةِ» (امالی طوسی/ص ۷۰۰)

## بعضی‌ها که ادعای انقلابی‌گری داشتند، می‌گفتند «ما نباید خودمان را خرج سوریه کنیم»! آیا آنها امروز که نتیجه فتنه‌های سوریه را می‌بینند شرم‌منده نمی‌شوند؟!

- بعضی‌ها که ادعای حزب‌اللهی‌گری و مبارزه با استکبار هم داشتند در آغاز مشکلاتی که در سوریه پدید آمده بود، می‌گفتند «ما نباید خودمان را خرج سوریه کنیم»! آنها عمق فاجعه و نهایت دومینویی که دشمن در سوریه آغاز کرده بود را نمی‌دیدند. لذا آنها در مناسبات سیاسی خودشان، اصلاً به حمایت از خط مقاومت که جبهه اصلی آن در سوریه گشوده شده، بها ندادند. آیا الان که آنها دارند نتیجه فتنه‌های سوریه و جنایت‌هایی که در سوریه انجام می‌شود را می‌بینند، شرم‌منده نمی‌شوند و روی‌شان می‌شود بگویند ما دو سال پیش چنین موضعی داشتیم؟! اینها عوامل تقدیری و تکوینی الهی هستند که شرایط را به نفع عوامل تشریحی تغییر می‌دهند و روز به روز ما با این صحنه‌ها بیشتر مواجه خواهیم شد.

## امکان انحراف از خط امام به شدت کاهش پیدا کرده / نگرانی ما به شدت نسبت به قبل کاهش پیدا کرده

- باید ببینیم امروز با چه شرایطی در داخل و خارج کشور مواجه هستیم یا خواهیم شد؟ این شرایط تماماً به نفع خط حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری و رهنمودهای ایشان است به حدی که امکان انحراف از این خط را به شدت کاهش داده است. لذا ما یک آرامشی پیدا می‌کنیم و در مواجهه با انواع جریان‌های سیاسی که احياناً خواهند خطایی بکنند، (چه در قدرت باشند یا نباشند) با یک طمأنینه‌ای عمل خواهیم کرد و نگرانی ما به شدت نسبت به قبل کاهش پیدا می‌کند. البته الان هم مثل گذشته امکان خیانت وجود دارد و ما هم باید مراقب باشیم ولی جای نگرانی کمتر از گذشته است.

**سؤال اول: آیا الان که شرایط به نفع حق پیش می‌رود اگر ما تلاشی نکنیم اشکالی ندارد؟ پاسخ: چرا باید اجازه دهیم در کنار ما ظلم رخ دهد؟/خانم‌های اسیر در زندانهای بحرین چه تفاوتی با دختران ما دارند؟/سخن آیت الله بهجت(ره)**

در اینجا دو سؤال مطرح می‌شود: سؤال اول این است؛ حالا که شرایط دارد به نفع حق پیش می‌رود اگر ما تلاشی نکنیم اشکالی ندارد؟ آیا تکیه به نصرت الهی که خداوند متعال دارد در تنظیم شرایط عالم، ایجاد می‌کند ما را در انجام وظیفه سست نمی‌کند؟ چرا، ما در قبال مظلومین عالم، مسئولیت داریم. ما برای قدرتمند شدن و انگیزه‌مند شدن و سخت‌کوشی در انجام وظایف الهی و تأثیرگذاری بیشتر در امور جامعه و جهان، به سرهای بریده‌ای باید فکر کنیم که در خط مقدم مقاومت دارند مظلومانه از بدن‌ها جدا می‌شوند.

**کسانی که همه روزه در جریان حملات تروریستی در عراق کشته می‌شوند و جوان‌هایی که در سوریه دارند از ناموس خودشان دفاع می‌کنند چه فرقی با جوانان ما دارند؟ خانم‌هایی که در بحرین در زندان‌ها اسیر هستند با خانم‌های ما و دختران ما چه تفاوتی دارند؟ چرا باید اجازه دهیم در کنار ما ظلم رخ دهد؟ چرا نباید مشکلات کشور خود را به گونه‌ای حل کنیم که از اقتدار ملی خودمان برای رفع ظلم در عالم استفاده کنیم؟ ضمن اینکه این دشمن به چیزی کمتر از «نوکری مطلق» راضی نخواهد شد. این سخنی است که آقای بهجت(ره) می‌فرمودند.** (دشمنان خارجی، به هیچ حدی از نوکری، قانع نیستند؛ بلکه نوکر مطلق می‌خواهند.... بنابراین، با دشمنان، مطلقاً نمی‌توان سازش کرد؛) زمزم عرفان(یادداشت‌های آقای ری‌شهری از سخنان آیت الله بهجت)، ص ۲۹۱

**ما نگران پیروزی دشمن نیستیم بلکه از شدت مظلومیت دوستان انقلاب در جهان ناراحت هستیم**

ما نگران پیروزی دشمن نیستیم- زیرا دشمن در حال نابودی است- بلکه از شدت مظلومیت دوستان انقلاب در جهان ناراحت هستیم. یعنی بحث این نیست که ما بلند شویم از انقلاب دفاع کنیم تا مبادا انقلاب ما از بین برود، چون انقلاب ما دیگر از بین رفتنی نیست، ولی ما شب و روز باید تلاش کنیم تا بتوانیم اوضاع جامعه را بهبود بخشیم و هیبت جمهوری اسلامی در منطقه صدبرابر شود. باید تلاش کنیم این مظلومینی که دارند سربریده می‌شوند و نوامیسی که دارد به آنها تجاوز می‌شود فقط به این اتهام که در خط مقدم مقاومت قرار دارند و فقط به اتهام اینکه دارند راه امام را طی می‌کنند، نجات پیدا کنند.

**مظلومیت مردم سوریه را به جامعه دانشگاهی خودتان منعکس کنید/ حوادث، بطلان سخن منتظری و حقانیت امام را روشن کرد**

امروز شما دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی امکانات بسیار خوبی برای خدمت کردن در اختیار دارید که یک درصد آن هم در دهه‌های اول و دوم در اختیار دانشجویان قرار نداشته است. باید از این امکانات در دفاع از حق استفاده کنید و اگر این کار را انجام دهید، احدی از سیاسیون موجود در کشور از هر گروهی که باشند، نمی‌توانند یک سخن باطل را در میان جامعه رواج دهند.

به عنوان نمونه، در متن مظلومیت مردم سوریه وارد شوید، و آن را به جامعه دانشگاهی خودتان منعکس کنید. جامعه دانشجویی اعم از دانشجویان شیعه و سنی، زن و مرد، انقلابی و غیرانقلابی وقتی با این صحنه‌ها مواجه می‌شوند چه قضاوتی خواهند داشت و چه موضعی خواهند گرفت؟ این کار برای شما دانشجویان هزینه چندان ندارد. یک زمانی اگر یک دانشجو می‌خواست از انقلاب دفاع

کند باید به جبهه می‌رفت و قطعه‌قطعه می‌شد و یا با مظلومیت بسیار زیاد کار می‌کرد. در برخی دوران‌های دفاع مقدس دانشجویان انقلابی در دانشگاه مجبور بودند در مقابل کسانی که می‌گفتند «چرا باید جوانان ما بیهوده کشته شوند؟!» از حقانیت جنگ و دفاع مقدس دفاع کنند. ولی آیا الان کسی می‌تواند چنین سؤالی را مطرح کند؟

**شما فکر می‌کنید، آقای منتظری در آن مصاحبه خود چه گفته بودند که امام آرزوی مرگ کردند؟(صحیفه امام/ج ۲۱/ص ۳۳۰) امام(ره) سعه صدر بالایی داشت و اگر کسی یک اشتباهی می‌کرد خیلی با او مدارا می‌کردند و در ارتباط با بسیاری از خیانت‌ها و جنایت‌های افراد مختلف از جمله بنی‌صدر، با آرامش و سعه صدر برخورد می‌کردند. اما چرا در مقابل سخنان آقای منتظری، آرزوی مرگ کردند؟ مگر سخنان او چقدر اهمیت داشت که امام به خاطرش آرزوی مرگ کردند و در انتهای نامه خود به منتظری گفتند: «از خدا می‌خواهم که به پدر پیر مردم عزیز ایران صبر و تحمل عطا فرماید و او را بخشیده و از این دنیا ببرد تا طعم تلخ خیانت دوستان را بیش از این نچشد.»(صحیفه امام/ج ۲۱/ص ۳۳۲)**

حتماً سخنان آقای منتظری، در آن زمان به قدری خطرناک بود که امام(ره) برای اینکه زشتی این حرف را نشان دهد تنها چاره را در این می‌بیند که آرزوی مرگ کند. در حالی که آن سخنان، امروز آن قدر سخیف است که حتی نیاز ندارد کسی به آن جواب دهد، چون شرایط عوض شده و اتفاقات و حوادث موجب شده حقانیت مسیر ما و خط امام خیلی بهتر از گذشته دیده شود؛ اینها کمک‌های تقدیری خداست. اگر آن موقع کسی می‌خواست در مقابل سخن آقای منتظری بایستد و بطلان آن حرف را برای مردم جابیان‌دازد و حقانیت موضع امام را برای مردم توضیح دهد، خیلی سخت بود.

**امروز تنها مشکلی که داریم، کم‌کاری ما در نشان دادن حق است / امثال او با ما چیزی بیش از یک عده**

**عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی دروغگو نیستند**

امروز تنها مشکلی که داریم، کم‌کاری ما در نشان دادن حق است. امروز حق و حقیقت نمایشگاه‌های بزرگی در اطراف جامعه ما ایجاد کرده است، این نمایشگاه‌ها را باید ببینیم. مثلاً در چند روز اخیر، آقای اواما درباره سوریه سخنانی گفته است. آن قدر سخنان او برای یک انسان منصف و کمی هوشمند، سخیف است که شکی باقی نمی‌گذارد که این‌ها چیزی بیش از یک عده عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی دروغگو نیستند و اصلاً نمی‌شود به آنها حتی به چشم یک عنصر سیاسی نگاه کرد. در پشت پرده یک کسانی هستند که تصمیم می‌گیرند و اینها فقط باید جلوی دوربین‌ها نقش بازی کنند و تمام استعدادهای عالم را در خدمت قدرت‌های پشت پرده قرار دهند. فقط کافی است سخنان یک هفته اخیر وزیر خارجه و رئیس جمهور آمریکا را ملاحظه کنید و به مردم نشان دهید؛ تا شخصیت سیاسی آنها برای همه مشخص شود. اینها نه تنها نمی‌توانند به عنوان رهبران دنیا مطرح باشند بلکه به عنوان انسان‌های متعادل هم نمی‌توانند مطرح شوند و اگر هم متعادل باشند چون مأمور قدرت‌های پشت پرده هستند این‌همه در رفتار و گفتارشان تناقض دیده می‌شود.

مثلاً یکی از کارهای سخیف و خنده‌دار غربی‌ها که دیگر هیچ آدم عاقلی فریب آن را نمی‌خورد این است که به تروریست‌ها بمب شیمیایی می‌دهد تا علیه مردم سوریه استفاده کنند و بعد دولت سوریه را متهم به استفاده از بمب شیمیایی می‌کند! این یعنی دیگر باطل نمی‌تواند مانند گذشته به راه خود ادامه دهد و چاره‌ای غیر از این دلقک‌بازی‌ها و کارهای سخیف ندارد و **این نصرت الهی**

**برای جبهه حق و یکی از مقدمات ظهور است. اینها نمونه‌هایی از حق‌هایی است که در مقابل چشمان ما قرار دارد ولی متاسفانه ما در برخورداری از این همه حق، درست استفاده نمی‌کنیم و نمی‌توانیم با بهره‌گیری از آن، ظلم و مظلومیت را از عالم برطرف کنیم.**

**از گوینده «ما در حال تمرین دموکراسی هستیم» بپرسید «آیا هنوز از دموکراسی غربی دفاع می‌کنید؟!» / آیا مردم فرانسه و آمریکا رأی داده‌اند که این قدر جنایت بشود؟!**

در شرایط سیاسی جامعه ما نیز اتفاق‌هایی افتاده است که می‌توانیم از این اتفاق‌ها بهترین استفاده را برای رشد جامعه انجام دهیم و اگر ضربه بخوریم تنها برای این است که از این امکانات خودمان برای رشد جامعه استفاده نکرده‌ایم. **شما دانشجویان، راحت می‌توانید از طریق یک سایت، یک نشریه ساده دانشجویی، به سراغ افرادی بروید که در سال‌های گذشته دیدگاه‌های نادرستی داشتند؛ باید کلمات قبلی آنها را برایشان بازگو کنید و بپرسید امروز نظرتان راجع به سخنان چهار، یا هشت سال پیش خودتان چیست؟ مثلاً از آن آقای که می‌گفت «ما داریم به سوی دموکراسی حرکت می‌کنیم» و «ما در حال تمرین دموکراسی هستیم» بپرسید: الان نظرتان راجع به سخنان ده سال پیش خودتان چیست؟ آیا هنوز هم از آن دفاع می‌کنید؟ آیا این دموکراسی در کشورهای غربی جواب داده است؟ این جنایت‌هایی که امروز در جهان شاهدش هستیم، نتیجه این دموکراسی نیست؟ این کشور فرانسه و آمریکا که این قدر جنایت می‌کنند، آیا مردم فرانسه و آمریکا رأی داده‌اند که این قدر جنایت بشود؟ آیا کسانی که در رأس قدرت هستند، نمایندگان واقعی مردم آن کشورها هستند؟ شما که داشتید مملکت ما را هم به آن سمت می‌بردید حالا امروز راه حل شما چیست؟**

خداوند متعال رشد حقیقی جامعه را می‌خواهد نه اینکه یک موجی به سمت دین و دیانت و حزب‌اللهی‌گری و انقلابی‌گری راه بیافتد و بخواییم با همین موج، کار را تمام کنیم و به نتیجه برسیم. خدا خودش موج را به هم می‌زند تا درست پیش برویم نه اینکه سوار بر امواج گذرا بخواییم پیش برویم. مسأله باید برای تک تک مردم و تک تک خواص و نخبگان جابجایی.

**سؤال دوم: وقتی شرایط به نفع حق پیش می‌رود، آیا آدم‌های بد به آدم‌های خوب تبدیل خواهند شد؟!**

**حداقل باید مخالفین جبهه حق به مرز سکوت و تسلیم برسند**

سؤال دوم این است که وقتی شرایط به نفع حق پیش می‌رود، آیا آدم‌های بد به آدم‌های خوب تبدیل خواهند شد؟! آدم‌هایی که نگرش فاسدی دارند و عقل و درایت دینی ندارند، آیا با تغییر شرایط بیرونی، درست خواهند شد؟ نه، این‌طور نیست. کسانی که در قلبشان مرض وجود دارد، خدا مرض آنها را افزوده خواهد کرد. «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا» (بقره/۱۰)

وقتی شرایط به نفع حق پیش می‌رود، یک انسان سیاسی‌ای که مثلاً می‌خواهد در عرصه سیاست جامعه را به سمت باطل ببرد، در مقابل حق، تسلیم می‌شود و مجبور به سکوت خواهد شد و البته ممکن است کینه به دل بگیرد و خیانت‌های بزرگتری بکند. در جریان انقلاب، کم نبودند کسانی که یک زمانی سیاسی و در خط انقلاب بودند ولی بعداً دست به ترور زدند و آدم‌کشی راه انداختند. چون شرایط و مقدرات به نفع حق جلو رفت و آنها هم که اصلاح نشده بودند، دیدند راه دیگری جز آدم‌کشی ندارند. لذا باید مراقبت خودمان را از این حیث هم افزایش دهیم. چون فضای تسلط هیمنه حق، همه را مؤمن نمی‌کند، کسانی که مؤمن نیستند، در ظاهر

تسلیم حق می‌شوند و حتی ممکن است در دلشان به راه حق و به مؤمنین ناسزا بگویند، ولی چاره‌ای جز سکوت ندارند. ما حداقل باید کسانی که مخالف جبهه حق هستند را به مرز سکوت و تسلیم برسانیم. البته ممکن است گروهی از آنها کینه‌توزانه به خیانت‌هایی دست بزنند، و معلوم است کسی که دنبال خیانت‌های عجیب و غریب بیفتد یقیناً گور خود را می‌کند و زودتر از موعدی که تصور می‌کند خدا به او مهلت خواهد داد، مهلتش به پایان می‌رسد.

• کار دیگری که در این شرایط باید انجام دهیم این است که مواظب باشیم خودمان به عنوان نیروهای مذهبی و حزب‌اللهی، به شعارها و به راهمان خیانت نکنیم. این یک نگرانی است و البته هر کسی هم در میان ما به عنوان مدعی راه امام و رهبری، این خیانت را انجام دهد، خدا او را بدتر به زمین خواهد زد. و کسانی بوده‌اند که این خیانت را مرتکب شده‌اند و خدا هم عزت آنها را گرفته است.

